

- After Rhost, the French did a route on this big wall in 1966. پس از رُست، فرانسوی‌ها در سال ۱۳۴۵، مسیری روی این دیواره‌ی بلند باز کردند.
- And the Polish put a route in 1969. و لهستانی‌ها در سال ۱۳۴۸ مسیری باز کردند.
- The rock is granite and almost all the routes are sound and safe. جنس سنگ خارا است و تقریباً تمام مسیرها محکم و مطمئن هستند.
- The first pitch has good pros, but the last is chossy (full of choss). طول‌های اول، میانی‌های خوبی دارد، اما آخرین طول **خاکی** است. (پُر از خاک و سنگ‌ریزه است؛ ریزشی است).
- Above the main face there is a rope length containing loose rocks. پس از رُخ اصلی دیواره یک طول شامل سنگ‌های سُست است.
- There is another rope - length after the difficult pitch, and you will step on the final ledge. پس از آن طول دشوار یک طول طناب نسبتاً ساده هست و سپس به طاقچه‌ی آخر می‌رسید. (pitch برای طول‌های دشوار، و rope length برای طول‌های معمولی و ساده به کار می‌رود).
- Then we can rope off the other side of the cliff. سپس می‌توانیم از پشت صخره فرود برویم.
- The fifth pitch is the most exposed pitch of the climb; one can't place runners. طول پنجم بی‌حفاظ‌ترین طول است؛ شخصی نمی‌تواند حمایت میانی بگذارد.
- Those two pitches are fixed. آن دو طول ثابت‌گذاری شده است.
- It is the most challenging route I have climbed! این هیجان‌انگیزترین مسیری است که تا به حال صعود کرده‌ام!
- In my first attempt, I avoided this problem, by a variation on the left. من در نخستین تلاش خود، با صعود از یک **نیم‌مسیر** در سمت چپ (یا انحراف از مسیر اصلی) از درگیری با مشکل پرهیز کردم.
- The route is boltless. مسیر میخ (رُل) ندارد.
- There is no pros (protections) on this pitch. در این طول میانی نداریم.
- If you fall, you have serious problem. اگر بیفتی (سقوط کنی)، مشکل خواهی داشت.
- It is the hardest route I've ever done. این دشوارترین مسیری است که تا به حال صعود کرده‌ام.
- Once I was near to the next belay station, but I fell to the deck. یک‌بار تا نزدیکی کارگاه بعدی رسیدم، اما تا پای کار سقوط کردم. (deck اصطلاح آمریکایی است).

در پای کار ممکن است این جمله‌ها به کار آید:

- Have a look on the route. نگاهی به مسیر بینداز.
- It looks unclimbable. قابل صعود به نظر نمی‌رسد.
- Start going at this route. (صعود) این مسیر را شروع کن.
- I give it 5.12 d. به مسیر درجه‌ی 5.12 d می‌دهم.
- I prefer you lead the route, seconded by me. ترجیح می‌دهم که تو سرطناب بروی و من حمایت کنم.
- Tie in! طناب را (به خودت) ببند!
- Clip! / Clip the rope into the carabiner. طناب را به کارابین ببند.
- You won't need all of the gear. به همه‌ی وسایل نیاز نیست.
- We should do all three. باید هر سه (مسیر) را بزنیم.
- I am warmed up. گرم (آماده‌ی کار) شده‌ام.
- Double check the knot (tie in). گره (اتصال) را باز نگاه کن (کنترل کن).
- Inspect your tie-ins and belay set-ups. (بدیهی است که در صحبت با یک غریبه یا مربی لفظ please را در ابتدا یا انتهای جمله‌های امری به کار می‌بریم).
- Your knot is half-tied! گره‌ی اتصال و وسایل حمایت را امتحان کن.
- Your hands are off the belay device. گره‌ات درست زده نشده!
- Be careful! / - Don't be careless! وسیله‌ی حمایت را ول کرده‌ای.
- Are you ready? مراقب باش!
- Let's coordinate our commands. آماده‌ای؟
- بگذار پیام‌هایمان را هماهنگ کنیم.

پیام‌ها (commands)، عبارت‌ها یا جمله‌هایی هستند که دو هم‌طناب برای برقراری ارتباط در حین کار روی مسیر به کار می‌برند. این پیام‌ها باید کوتاه و روشن باشند؛ دور بودن از یکدیگر، پیچ و خم مسیر، وزش باد، و خستگی می‌تواند ارتباط را دشوار کند. چون نمی‌توان با جمله‌های طولانی متخلو خود را رساند. لازم است صعودکنندگان پیام‌های کوتاه و هماهنگ داشته باشند. نمونه‌ای از یک سری مبادله‌ی پیام را در زیر ملاحظه می‌کنید:

- Leader: Taking in slack! سرطناب: جمع می‌کنم (اضافه‌طناب را جمع می‌کنم).
- Second man: That's me! نفر دوم: خوب! (اضافه‌طناب جمع شده است).
- Leader: Climb when you're ready. سرطناب: صعود کن / بیا. (نفر دوم، حمایت سرطناب را باز می‌کند و خود آماده‌ی صعود می‌شود).
- Second man: Climbing! نفر دوم: صعود می‌کنم / می‌آیم!
- Leader: Aye! / Climb! سرطناب: آها! / بیا! (یا چیزی شبیه به آن به علامت آمادگی)

در حین صعود ممکن است پیام‌های دیگری هم مبادله شود:

- Pull in! / Pull in the rope! / Take in! / Take! جمع کن! (طناب شُل است).
- Slack! طناب بده!